



تعلق یا تجدد؛ مسئله این است...

بازتولید مفاهیم هویتی در ساختارفضایی شهر معاصر

لاله حلاج؛ کاه‌ی که در هیاهوی پرشتاب زندگی روزمره خلوتی دنج می‌یابیم برای با خودبودن، خوب است سری هم به گذشته‌های نه‌چندان‌دور بزنیم؛ خانه مادر بزرگ و حیاط فراخش با حوضی در میانه و باغچه‌ای سبز و پردرخت پیرامونش، در محله‌ای با همسایه‌های صمیمی و دل‌هایی به وسعت آسمان. کوچه‌ها هرچند کم‌عرض، اما دل‌باز بود. هر محله را بنای شاخصی بود که با آن شناخته می‌شد و اهالی به خانه و محله زندگی‌شان و در مقیاسی بزرگ‌تر، به شهرشان احساس دلبستگی و تعلق داشتند. به حال بازگردیم؛ تصور کنید بدون هیچ پیش‌زمینه ذهنی و اطلاعات قبلی در بافت جدید کلان‌شهر امروزی قرار دارید، چشمان خود را باز می‌کنید و نگاهی به پیرامون می‌کنید، خود را میان انبوهی از ساختمان‌های سرب‌فلک‌کشیده و مکعب‌های شیشه‌ای می‌یابید. می‌توانید حدس بزنید در کدام شهر ایران هستید؟ [صرف‌نظر از ابعاد اجتماعی و صرف درنظرگرفتن، بعد معماری و شهری]. با مرور بر آنچه امروزه بر معماری شهر حاکم است، احتمالاً پاسخ‌تان منفی است. شهرهای ایرانی که زمانی آوازه اصالت و زیبایی‌شان فرسنگ‌ها آن‌سوتر می‌پیچید و تیلوری از فرهنگ و هویت فاخر ایرانی را نماینده بودند، به نظر می‌رسد دوران افول معماری و شهری خود را تجربه می‌کنند. شاکله شهرهای ایرانی را ساختمان‌های یک‌شکل و هم‌رنگ مشابه آنچه در هر جای جهان می‌توان یافت، شکل داده و نشانه‌ی که ایرانی‌بودن معماری را در شهر تداعی کند به‌سختی می‌توان یافت. لباس مردم، خانه‌های‌شان، سرگرمی‌های‌شان، فروشگاه‌ها و مراکز خرید، ساختمان‌ها و نماهای شهری همه و همه رنگ‌وبویی نه از جنس ایرانی که تعلق به جهانی مدرن و پیشرو دارد. ساختمان‌ها مکعب‌هایی یک‌شکل و بی‌روح‌اند و فاقد پیامی برای مخاطبان. همه‌چیز به غایت عادی و خالی از رنگ‌وبوی تعلق است. هرچند شهر بر موج تکنولوژی سوار است، اما جای خالی چیزی را در درون خویش حس می‌کنید، چیزی که به وصف نمی‌آید و در کلام نمی‌گنجد. احساسی که باید باشد، اما نیست...؛ هویت؛ حلقه مفقوده شهرهای امروزی...؛ چراکه عادت کرده‌ایم به این فقدان. طبق نظریه یونگ، اسکیمای یا طرح‌واره‌ها به طور کلی الگوها یا درون‌مایه‌های عمیق و فراگیریی هستند که در دوران کودکی یا نوجوانی شکل گرفته و در بزرگسالی تداوم پیدا می‌کنند (Young, Klosko & Weishaar, 2003)، به بیانی اسکیمای نوعی الگوی ذهنی است که با گذشت زمان و ادراک مفاهیم، در ذهن فرد پدید می‌آید. مندلر نیز معتقد است اسکیمای هر مبنای تجربیات گذشته از حوادث، اتفاقات و صحنه‌ها شکل گرفته است که در درون ما، خصوصاً به صورت ناخودآگاه، انتظارات و توقعاتی را ایجاد می‌کند. در مقوله معماری، اسکیمای یا طرح‌واره به بیش از اولیه‌ای گفته می‌شود که یک طرح‌نسبت به موضوع کار خود دارد و از آن تحت عنوان هندسه ذهنی نیز یاد شده است (نقره کار، مظفر و تسه‌کار، ۱۳۷۰:۱۲۸۹). از این گفتار چنان به نظر می‌رسد که میان مفاهیم ذهنی معمار و دانسته‌های پیشین او یا موضوع طراحی، ارتباط معناداری وجود دارد. وقتی با یک ایرانی از معماری فاخر و هویت‌مند سخن می‌گوییم، مساجد و خانه‌های تاریخی و بافت سنتی شهر برایش تداعی می‌شود. می‌توان از این موضوع دو برداشت متفاوت داشت. معماری دوره گذشته از چنان کیفیت، اصالت و هویتی بهره‌مند است که با گذشت سالیان متمادی هنوز در آذهان مردم باقی و زنده است؛ از دیگر سو، شاید معماری معاصر آن‌طور که باید خلاق، تأثیرگذار و ارزشی نبوده است و چنان‌که شایسته و بایسته است، برای مخاطبان امروزی‌اش جذاب و بدیع نبوده است. در این وادی، ایجاد این سؤال در ذهن یک معمار دغدغه‌مند برپیراه نیست: آیا باید پیرو سبک معماری گذشتگان و مقلد صرف نمادهای معماری سنتی بود یا می‌توان خلاقانه اندیشید و طرحی نو درانداخت؟ بر فرض مثال آن هنگام که موضوعی چون مسجد یا تمام نمادها و الگوهایی که یادآور فرم شکلی آن است محل طراحی قرار می‌گیرد، طراحی یک مسجد مطابق با شاخص‌های هویت ایرانی، همان مساجد سنتی و

تاریخی هستند که مقبول عام و مفهوم خاص‌اند یا باید به فکر تولید فرمی جدید و خلاقانه طبق جریان معماری معاصر بود؟ مفهوم هویت یکی از چالش‌برانگیزترین موضوعات در مباحث معماری و شهری است؛ اینکه هویت چیست و چگونه می‌توان آن را در فضاهای شهری ایجاد کرد. به نظر می‌رسد رشد سریع جمعیت شهرنشین و سرعت بالای ساخت‌وسازها از یک‌سو و ترویج فرهنگ و معماری وارداتی از سوی دیگر، تا حدودی موجب کمرنگ‌شدن و کم‌اهمیت‌دادن به مقوله هویت در فضاها و ابنیه شهری شده است. ایران از جمله کشورهایی است که میراث غنی و ارزشمندی از نظر فرهنگی و معماری دارد و این گذشته تاریخی هویت اصل و خاص خود را دارد. فضاهای شهری گذشته، هم از نظر کالبد فیزیکی و هم ذهنی، هویت‌مند بوده‌اند و ویژگی‌های منحصربه‌فرد خود را داشته‌اند. بازار، میدان، کاروانسرا و حتی گذرها با فرم فیزیکی و نیز نحوه اختصاص فعالیت برای خود هویتی مستقل و درعین‌حال واحد و ایرانی داشتند. در کشوری مانند ایران با میراثی گرانبها از گذشتگان، تداوم حس خاطره‌مندی در فضا و ابنیه شهری، توأم با حرکت‌های پیشروانه در حوزه‌های معماری و شهری، چندان ساده به نظر نمی‌رسد. تمرکز و تأکید بر ارزش‌های والای به‌جامانده از گذشتگان در این عرصه هر چند لازم، اما کافی نیست. شهرهای کنونی با سرعت در حال تحول و حرکت به سوی پیشرفت هستند. هم‌گامی با موج جهانی‌شدن به حوزه معماری و شهرسازی نیز نفوذ کرده و شهرسا‌شتاب این موج، مجالی برای اندیشه و تأمل در تداوم نگاه هویت‌گرا پیرامون مسائل شهری باقی نگذاشته است؛ ازاین‌رو است که توسعه شهرها براساس مظاهر معماری غربی و نه موتیوهای اصیل معماری ایرانی در حال شکل‌گیری است.

در تعریف هویت در فرهنگ دехدا چنین آمده است: «ویژگی یا کیفیتی که موجب تمایز و شناسایی کسی از دیگران شود». درباره شهر نیز هویت ابعاد فیزیکی و انتزاعی دارد که به فضا معنا می‌بخشد و آن را ویژه و منحصربه‌فرد می‌کند؛ بنابراین می‌توان گفت هویت هم در کالبد و فیزیک فضا نمود داشته و هم می‌تواند مقوله‌ای کاملاً ذهنی باشد که مستقل از کالبد شکل می‌یابد و از طرفی می‌تواند پدیده‌ای عینی و ذهنی باشد. در سال ۱۹۸۱ لینچ، هویت شهری را چنین معنا می‌کند: «هویت یعنی حدی که یک شخص می‌تواند یک مکان را به عنوان مکانی متمایز از سایر مکان‌ها شناسایی کند به گونه‌ای که شخصیتی منحصربه‌فرد داشته باشد». لینچ مفهوم «هویت» را در معنای بسیار ساده، یعنی «مکان» تعریف می‌کند و هویت را به همراه عوامل دیگری نظیر ساختار، شفافیت، سازگاری و خوانایی

درخور توجهی در هویت‌بخشی به فضاهای شهری داشته است. وقتی سخن از زیره گرمان و فرش تبریز است، آنچه به ذهن متبادر می‌شود به نوعی بخشی از هویت شهر را دربر می‌گیرد و پیش‌زمینه‌ای از کیفیت فضایی و اجتماعی و اقتصادی را در مخاطب ایجاد می‌کند. این‌روزها وقتی سخن از معماری سنتی و هویت‌مند به میان می‌آید، چه‌بسا در ذهن، معماری دوره گذشته و طاق و کُنب را تداعی بکند؛ درحالی‌که شاید بتوان گفت مقصود، طراحی بر مبنای اصول و آیین‌های سنتی و هویتی است و به نوعی، کُنب و طاق و مناره نمادی برای معماری مساجد هستند. زومتسور [Peter Zumthor] تعبیری شایسته در این مقام دارد با عنوان «اتمسفر» در معنای حس و حالی

درخور توجهی در هویت‌بخشی به فضاهای شهری داشته است. وقتی سخن از زیره گرمان و فرش تبریز است، آنچه به ذهن متبادر می‌شود به نوعی بخشی از هویت شهر را دربر می‌گیرد و پیش‌زمینه‌ای از کیفیت فضایی و اجتماعی و اقتصادی را در مخاطب ایجاد می‌کند. این‌روزها وقتی سخن از معماری سنتی و هویت‌مند به میان می‌آید، چه‌بسا در ذهن، معماری دوره گذشته و طاق و کُنب را تداعی بکند؛ درحالی‌که شاید بتوان گفت مقصود، طراحی بر مبنای اصول و آیین‌های سنتی و هویتی است و به نوعی، کُنب و طاق و مناره نمادی برای معماری مساجد هستند. زومتسور [Peter Zumthor] تعبیری شایسته در این مقام دارد با عنوان «اتمسفر» در معنای حس و حالی

درخور توجهی در هویت‌بخشی به فضاهای شهری داشته است. وقتی سخن از زیره گرمان و فرش تبریز است، آنچه به ذهن متبادر می‌شود به نوعی بخشی از هویت شهر را دربر می‌گیرد و پیش‌زمینه‌ای از کیفیت فضایی و اجتماعی و اقتصادی را در مخاطب ایجاد می‌کند. این‌روزها وقتی سخن از معماری سنتی و هویت‌مند به میان می‌آید، چه‌بسا در ذهن، معماری دوره گذشته و طاق و کُنب را تداعی بکند؛ درحالی‌که شاید بتوان گفت مقصود، طراحی بر مبنای اصول و آیین‌های سنتی و هویتی است و به نوعی، کُنب و طاق و مناره نمادی برای معماری مساجد هستند. زومتسور [Peter Zumthor] تعبیری شایسته در این مقام دارد با عنوان «اتمسفر» در معنای حس و حالی



معماری



درخور توجهی در هویت‌بخشی به فضاهای شهری داشته است. وقتی سخن از زیره گرمان و فرش تبریز است، آنچه به ذهن متبادر می‌شود به نوعی بخشی از هویت شهر را دربر می‌گیرد و پیش‌زمینه‌ای از کیفیت فضایی و اجتماعی و اقتصادی را در مخاطب ایجاد می‌کند. این‌روزها وقتی سخن از معماری سنتی و هویت‌مند به میان می‌آید، چه‌بسا در ذهن، معماری دوره گذشته و طاق و کُنب را تداعی بکند؛ درحالی‌که شاید بتوان گفت مقصود، طراحی بر مبنای اصول و آیین‌های سنتی و هویتی است و به نوعی، کُنب و طاق و مناره نمادی برای معماری مساجد هستند. زومتسور [Peter Zumthor] تعبیری شایسته در این مقام دارد با عنوان «اتمسفر» در معنای حس و حالی

عاملی می‌داند که معنای مکان را در نظر مخاطب شکل می‌دهند. رایاپورت، هویت را این‌گونه تعریف می‌کند: «خصوصیتی از محیط که در شرایط مختلف تغییر نمی‌کند یا خصوصیتی که به موجودات امکان قابلیت تشخیص عنصری را از عناصر دیگر می‌دهد و عناصر شهری را از هم متمایز می‌کند». رایاپورت بر دو نکته تأکید می‌کند: ۱) هر هویت محیطی یک محتوای درونی دارد که ذات و ماهیت خودش را نشان می‌دهد. ۲) هر هویت مرزی دارد که آن را بیرون از خودش و از غیر خودش جدا می‌کند. شاید بتوان گفت حفظ و تقویت هویت شهری لزوماً به معنای تکرار نظریه‌نظیر الگوهای معماری و شهری گذشته نیست؛ چه، در این قالب، هویت مصداق عینی ست و در تقابل با هرگونه نوگرایی و تجدد معنا می‌یافت. در واقع هویت فضایی، به نوعی تداوم طرح‌واره‌ها و الگوهایی است که در ذهن مخاطب وجود دارد و به شکل‌گیری و تقویت خاطره‌های جمعی وی از فضا منجر می‌شود. حیاط یک خانه تاریخی، درختی کهنسال در میانه میدان، تابلوسوی قدیمی یک مغازه و... مثال‌هایی از این جنس می‌توانند در ذهن فرد خاطراتی را یادآوری کنند و به بازتولید مفهوم هویت در بستر فضای شهری بینجامد. این به آن معنا نیست که ادراک حس هویت‌مندی فضا صرفاً در گرو بازآفرینی تک‌تک عناصر تاریخی و پرهیز از نوآوری است؛ چراکه هنر یک معمار و شهرساز در بازتولید مفاهیم هویتی بنا بر نیازهای امروزی شهر و شهروندان با حفظ و تکرار موردی پارامترهای هویتی است که موجب تداوم و تکوین خاطرات جمعی می‌شود. هویت محیط جزء موضوعاتی است که فقط یک عامل در آن دخیل نیست و گروهی از متغیرها بر آن اثرگذار است. به همین دلیل بررسی هویت فضاهای شهری و کیفیت و چگونگی آن، گسترده و وسیع را دربر می‌گیرد که بسط آن در این مجال نمی‌گنجد؛ کارکردهای اجتماعی، اقتصادی و مناسبتی در هویت‌بخشی و ایجاد حس تعلق خاطر به محیط از دیرباز نقش دربارۀ شهر نیز هویت ابعاد فیزیکی و انتزاعی دارد که به فضا معنا می‌بخشد و آن را ویژه و منحصربه‌فرد می‌کند؛ بنابراین می‌توان گفت هویت هم در کالبد و فیزیک فضا نمود داشته و هم می‌تواند مقوله‌ای کاملاً ذهنی باشد که مستقل از کالبد شکل می‌یابد و از طرفی می‌تواند پدیده‌ای عینی و ذهنی باشد. در سال ۱۹۸۱ لینچ، هویت شهری را چنین معنا می‌کند: «هویت یعنی حدی که یک شخص می‌تواند یک مکان را به عنوان مکانی متمایز از سایر مکان‌ها شناسایی کند به گونه‌ای که شخصیتی منحصربه‌فرد داشته باشد». لینچ مفهوم «هویت» را در معنای بسیار ساده، یعنی «مکان» تعریف می‌کند و هویت را به همراه عوامل دیگری نظیر ساختار، شفافیت، سازگاری و خوانایی

می‌توان چنین نتیجه گرفت که در طراحی معماری [اسجد یا طراحی هر مصنوع دیگری] دو رویکرد پیش‌روست؛ رویکرد نخست تکرار نظریه‌نظیر الگوهای معماری گذشته (کُنب، مناره و...) است که گرچه بر طبق طرح‌واره‌های ذهنی، مقبولیت عام را در کنار پاسخ‌گویی به کارکردهای اسلامی/ ایرانی و بازتولید مساجد معاصر باشد. به بیانی، در طراحی خلاقانه یک مسجد، چه‌بسا ارجح است که انگاره‌های ذهنی از مسجد را به عنوان اصل در نظر گرفت و درعین‌حال نیم‌نگاهی هم به آینده داشت.

می‌توان چنین نتیجه گرفت که در طراحی معماری [اسجد یا طراحی هر مصنوع دیگری] دو رویکرد پیش‌روست؛ رویکرد نخست تکرار نظریه‌نظیر الگوهای معماری گذشته (کُنب، مناره و...) است که گرچه بر طبق طرح‌واره‌های ذهنی، مقبولیت عام را در کنار پاسخ‌گویی به کارکردهای اسلامی/ ایرانی و بازتولید مساجد معاصر باشد. به بیانی، در طراحی خلاقانه یک مسجد، چه‌بسا ارجح است که انگاره‌های ذهنی از مسجد را به عنوان اصل در نظر گرفت و درعین‌حال نیم‌نگاهی هم به آینده داشت.

می‌توان چنین نتیجه گرفت که در طراحی معماری [اسجد یا طراحی هر مصنوع دیگری] دو رویکرد پیش‌روست؛ رویکرد نخست تکرار نظریه‌نظیر الگوهای معماری گذشته (کُنب، مناره و...) است که گرچه بر طبق طرح‌واره‌های ذهنی، مقبولیت عام را در کنار پاسخ‌گویی به کارکردهای اسلامی/ ایرانی و بازتولید مساجد معاصر باشد. به بیانی، در طراحی خلاقانه یک مسجد، چه‌بسا ارجح است که انگاره‌های ذهنی از مسجد را به عنوان اصل در نظر گرفت و درعین‌حال نیم‌نگاهی هم به آینده داشت.

می‌توان چنین نتیجه گرفت که در طراحی معماری [اسجد یا طراحی هر مصنوع دیگری] دو رویکرد پیش‌روست؛ رویکرد نخست تکرار نظریه‌نظیر الگوهای معماری گذشته (کُنب، مناره و...) است که گرچه بر طبق طرح‌واره‌های ذهنی، مقبولیت عام را در کنار پاسخ‌گویی به کارکردهای اسلامی/ ایرانی و بازتولید مساجد معاصر باشد. به بیانی، در طراحی خلاقانه یک مسجد، چه‌بسا ارجح است که انگاره‌های ذهنی از مسجد را به عنوان اصل در نظر گرفت و درعین‌حال نیم‌نگاهی هم به آینده داشت.

برای دفاتر معماری

مهشید معتمد؛ در تأسیس دفاتر و اداره شرکت‌های معماری، معضلات و خطاهایی پدید می‌آید. این موارد، که کم هم نیستند، با همکاری و همیاری اعضا قابل رفع و رجوعند. در ادامه به چند مورد از آنها اشاره می‌شود:

• نباید خود را با دفاتر بزرگ و معمار– ستاره‌ها مقایسه کرد؛ همواره موفقیت‌ها بیشتر خودنمایی کرده و شانس موفقیت را بیش از آنچه که وجود دارد، نمایش می‌دهند. داستان‌های تأسیس این‌گونه دفاتر همیشه با پایان خوش همراهند، ولی هیچ‌گاه از دیگر دفاتری که به‌موافقتشان آغاز اما به ورطه نابودی کشیده شدند، سخن نمی‌رود. همیشه این معمار ستاره‌ها هستند که سخنرانی می‌کنند و از لذت طراحی می‌گویند، اما عامل موفقیت را با نتیجه اشتباه می‌گیرند و به تفسیر دستاوردها می‌پردازند. روندهای موفقیت‌آمیز بسیار جذاب هستند، اما به‌خطر علاقه ما به داستان‌ها، نکات اصلی از دیده پنهان می‌شوند. اینکه زاه‌ا حدید جایزه ریا را دریافت کرده، قابل‌تحسین است، اما در همین سال پروژه بزرگ استادیوم المپیک توکیو را زاین را به دلیل افزایش هزینه‌های ساخت مازاد بر پیش‌بینی اولیه از دست داد.

• اگر تعداد کثیری از افراد به امر نادرستی معتقد هستند، آن مسئله هم‌چنان نادرست باقی می‌ماند. دفاتر معماری اغلب برای هم‌رنگی فضایی مقدس و مامن و خلوتی برای عبادت‌کنندگان، مقوله‌ای است که از نقطه‌نظرات گوناگون می‌توان آن را بررسی کرد. به این موضوع کارکردهای اجتماعی جدید مساجد در جوامع نو را نیز اضافه کنید. به نظر می‌کنند و تسلیم خواسته‌های طراحی آنان می‌شوند. اما همین موضوع آنان را در زمره سایرینی قرار می‌دهد که امتیازی بیشتر برای برتری ندارند و به‌زودی به فراموشی سپرده خواهند شد. در حرفه طراحی، هیچ موردی در زمره استثناات قرار نمی‌گیرد. بنابراین اگر کارفرما برای طراحی نمای رومی پاسفارشای کرد، بهتر است با دلایل منطقی وی را منصرف کرد.

• اگر وضعیت سازماندهی دفاتر معماری با شکست مواجه است، نباید به صرف هزینه مالی و زمانی بر تصمیم‌های پیشین صحه گذارده و روش پیشین را ادامه داد. توجیه پروژه‌های شکست‌خورده باید کنار رفته و تصمیم‌گیری‌های منطقی مفهومی از اصول معماری اسلامی/ ایرانی و بازتولید صورت پذیرد. در بسیاری از موارد تصمیم بر قطع همکاری می‌تواند از هزینه‌های مهلک بعدی جلوگیری کند. دفاتر معماری بسیاری در پنج‌سال گذشته برچیده شدند، اما از ضررهای مالی در امان ماندند.

• مراجع مسئول همیشه دنبال جلب‌توجه هستند اما در پذیرفتن مسئولیت‌های خود به‌گونه‌ای دیگر رفتار می‌کنند. در زمان همکاری با آنها باید به وقت مراقب نحوه تنظیم قرارداد و شرایط استننا بود. درواقع به صرف اینکه نهادها و ارگان‌ها مراکز یا اعتبار بیشتری هستند، نباید با سهل‌انگاری و اعتماد بیش از حد برخورد کرد. به‌خصوص که با اغلب قراردادهای این‌چنینی، اجازه منحل‌کردن کار با شرایط دشواری امکان‌پذیر است.

• شرایط دفاتر معماری با افت‌وخیز همراه است، بسیاری معتقدند پس از اوضاعی نامناسب، رونق بازار کار در راه خواهد بود. این پروسه معمولاً منجر به تعدیل کارمندان و حقوق می‌شود. سازماندهی این شرایط هم نیازمند زمان و صبر بیشتری است. اما در تمام این دوره می‌توان دریافت آیا ریاضت‌ها سودمند خواهند بود یا نه!پات نتیجه‌ای دربر نخواهد داشت. حیات شرکت‌ها و دفاتر به تصمیم‌ها و انجام پروژه‌ها در این دوران مهم بازمی‌گردد. • دفاتر معماری باید به حد و اندازه توان خود واقف باشند. عمدتاً پروژه‌هایی مانند شهرسازی یا طرح مرمت وسوسه‌کننده به چشم می‌آیند، اما کارشناسان خبره همواره در ورای مرزهای توانایی خود سکوت می‌کنند و کار را به افراد اصالح می‌سپارند. نبود برخی تجربیات در سابقه دفاتر بهتر از بودن و سؤالاتی است که در پی چگونگی شکل‌گیری آنها می‌آید.

پژوهشگر دوره دکترا
و مدرس دانشگاه

اندیشنده» یا «معماری متفکر»].

ستون سوم

لشکرآباد اهواز:

دردفاع ازدموکراسی شهری بانگاه کالبدی

در سه، چهارسال اخیر، در یکی از محلات شهر اهواز رخدادی حادث شده که همچون یک پدیده نوظهور شهری، در نوع خود منحصربه‌فرد است. اما به‌ندرت این پدیده با نگاهی تحلیلی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته و گزارش‌ها و مقالاتی که درباره این منطقه منتشر شده، عمدتاً به توصیف فضا و رونق اقتصادی این راسته خودجوش تجاری که امروز به فضای پرنشاطی برای اهالی شهر اهواز و گردشگاهی برای گردشگران تبدیل شده است، پرداخته‌اند. تا همین چندسال پیش، منطقه لشکرآباد اهواز نزد بسیاری از مردم به‌عنوان منطقه‌ای ملو از آسیب‌های اجتماعی شناخته می‌شد؛ منطقه‌ای با بافت اجتماعی شدیداً آسیب‌پذیر و از سویی با بافت شهری طراحی‌شده به صورت کاملاً منظم و شطرنجی و خیابان‌های طولی و عرضی و قطری منتهی به یک میدان مرکزی مربع‌شکل. در سال‌های اخیر، چنان‌که به تفصیل توضیح خواهم داد، این خیابان به‌تدریج به راسته پررونقی از اغذیه‌فروشی‌های سنتی و بومی که توسط هم‌وطنان عرب‌زبان اداره می‌شود، تبدیل شده است و زمینه شکل‌گیری تدریجی یک گونه بازار که بر بافت مسکونی پیشین بنا می‌شود، فراهم شده است. پدیده خیابان لشکرآباد در سه، چهارسال، ریزش‌زد مردم اهواز شده و از سوی دیگر، در مدت‌زمانی کوتاه به یکی از جاذبه‌های توریستی اهواز بدل شده است. این منطقه اگرچه به‌لحاظ بافت شهری، در مجاورت محورهای مهم ارتباطی شهر و همچنین در نزدیکی دانشگاه شهید چمران اهواز قرار دارد؛ اما به‌لحاظ اجتماعی نقشی مانند یک جزیره جدافتاده را در درون شهر اهواز ایفا می‌کرد و این تضاد، شرایط نامساعدی را در شهر اهواز رقم می‌زد.

انعطاف‌پذیری فضاهای شهری و یک بحث حقوقی
نکته قابل‌توجه دراین‌میان، اهمیت و ضرورت انعطاف‌پذیری اسناد توسعه شهری است. طرح‌ها و اسناد توسعه شهری در مقیاس‌های مختلف که به تعبیری دستورالعمل هرگونه دخل‌وتصرف در شهر هستند، توسط کارشناسان رشته‌های مختلف شهرسازی، معماری، جامعه‌شناسی، محیط‌زیست، ترافیک و... تهیه می‌شوند. با توجه به ماهیت پویای شهر، لازم است این طرح‌ها ماهیتی انعطاف‌پذیر داشته باشند و نیز به‌لحاظ قانونی راهکارهایی جهت انعطاف‌پذیرکردن فراهم باشد. قانون‌گذار با پیش‌بینی راهکارهایی، امکان این انعطاف را فراهم کرده است. در سلسله‌مراتب طرح‌های توسعه و عمران، مرجع تصویب طرح‌های کالبدی، از مقیاس ملی تا طرح‌های جامع شهری، شورای‌عالی شهرسازی و معماری ایران است و طرح‌های تفصیلی و تغییرات آنها، براساس قانون تأسیس شورای‌عالی شهرسازی و معماری و اصلاحیه‌های بعدی آن، در مجلس شورای اسلامی، توسط کمیسیون ماده پنج تصویب می‌شود. طرح جامع، بالادست طرح‌های تفصیلی هر شهر است و در نتیجه، چارچوب‌ها و خطوط کلی تعیین‌شده در طرح جامع، باید در طرح تفصیلی لحاظ شود.

چنان‌که گفتیم، شورای‌عالی شهرسازی مرجع تصویب طرح‌های جامع و کمیسیون ماده پنج مرجع تصویب طرح‌های تفصیلی و تغییرات آن است. کمیسیون ماده پنج، درواقع موضوع ماده پنجم قانون تأسیس شورای‌عالی شهرسازی است که می‌تواند طرح تفصیلی را که خود تصویب کرده است، براساس گزارش‌های توجیهی مستحکم و کارشناسی تغییر دهد، اما این تغییرات طبق قانون، نمی‌توانند در کلیات و اساس طرح جامع شهر تغییر ایجاد کنند. متأسفانه در دهه اخیر، با خاموش‌شدن یا لالافت ضعیف‌شدن مانی‌تورینگ نسبت به عملکرد کمیسیون‌های ماده پنج، مصوباتی از این کمیسیون‌ها بیرون آمد که اگرچه ظاهری قانونی داشت، اما آن قید مهم قانون تصویب شورای‌عالی را، مبنی بر امکان‌پذیربودن تغییر در طرح تفصیلی صرفاً در چارچوب کلیات طرح جامع، مورد بی‌توجهی قرار می‌داد. موارد متعددی از تغییر کاربری‌ها و تراکم‌های خارج از ضابطه، محصول ضعف در پایش عملکرد کمیسیون‌های ماده پنج است. به مثال لشکرآباد اهواز برگردیم، ممکن است کسانی بگویند درحال‌حاضر شهر اهواز طرح مصوب ندارد. قبول؛ اما این موضوع خدشه به استدلال وارد نمی‌کند. لشکرآباد را به‌عنوان مثالی برای طرح یک موضوع حقوقی در رابطه با نوع نگاه به انعطاف‌پذیری طرح‌های توسعه و عمران می‌گیریم. توجه کنیم پدیده لشکرآباد اهواز، یک پدیده خاص است که احتمالاً نمی‌توان موارد مشابه زیادی را با آن در دوران معاصر پیدا کرد. طبعاً در بسیاری از کشورهای تاریخی در سرتاسر جهان که رشد ارگانیک و گام‌به‌گامی داشته‌اند، فضاهای تجاری به‌تدریج و گام‌به‌گام توسعه می‌یافته‌اند و این توسعه، معطوف به یک طرح و برنامه پیشینی نبوده است. اما در شهرهای برنامه‌محور امروزی، به‌ندرت شاهد بروز پدیده‌های این‌چنینی، آن‌هم در چنین مقیاس گسترده‌ای هستیم. عقل سلیم حکم می‌کند مدیران شهری و کارشناسان در مواجهه با پدیده‌هایی از این اِن‌سِت، با تدبیر و خشنکی گذشته است که درافتد این اهالی این منطقه محروم اهواز بود که با درایت و هوشمندی تشخیص دادند مجموع ویژگی‌های منطقه آنان، پتانسیل تبدیل‌شدن تدریجی به راسته‌ای تجاری با عرضه انواع اغذیه‌جات سنتی و بومی شهر را دارد و احتمالاً با توسعه تدریجی این فعالیت جدید، ظرفیت‌های واقعی این فضا برای خود اهالی نیز آشکارتر شده است.

شکل‌گیری تدریجی یک راسته بازار بر بستر یک خیابان مسکونی

در خیابان انوشه یا لشکرآباد در ابتدا تعدادی رستوران وجود داشت و به‌تدریج خانه‌های اهالی این خیابان به صورت پراکنده به اغذیه‌فروشی تبدیل شد که اغذیه سنتی و بومی مثل فلافل، سمبوسه و... ارائه می‌کردند. در کام بعد، به‌تدریج خانه‌های مسکونی به اغذیه‌فروشی تبدیل می‌شدند و با گسترش این اغذیه‌فروشی‌ها، بدنه مسکونی به تجاری تبدیل می‌شد. توجه کنیم که در ادبیات شهرسازی، نام این اتفاق «تغییر کاربری» است. باید پیش‌بینی کنیم با توجه به استقبال شهروندان اهوازی و همچنین گردشگران، گام بعدی چه می‌تواند باشد؟ احتمال قریب‌به‌یقین این است که به‌تدریج این راسته تجاری که بر بستر مسکونی ایجاد شده و بستر مسکونی را با خود سازگار کرده، به کوچه‌های فرعی منتهی به این خیابان نفوذ کند؛ چنان‌که نشانه‌های آن نیز دیده می‌شود. فرض کنیم اسناد و طرح‌های توسعه شهری که پیش از این از تصویب مراجع قانونی گذشته است (طرح جامع در شورای‌عالی شهرسازی و طرح تفصیلی در کمیسیون ماده پنج) با این پدیده نوظهور، موافقت نداشته باشد. مثلاً بخش‌هایی از این مناطق در طرح کاربری مسکونی داشته باشد. در اینجا، آنچه در قسمت فوق به‌عنوان یک بحث حقوقی مطرح شد، کارکرد خود را نشان می‌دهد. آیا متولیان اجرای طرح تفصیلی باید در حالت انفعال قرار بگیرند؟

ادامه در صفحه ۱۲